



تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵



جایگاه خانواده در ادیان و مکاتب

چکیده

خانواده، یکی از مهمترین نهادهای اجتماع است که به سبب جایگاه برجسته آن، در همه ادیان مورد توجه قرار گرفته و احکام و قوانینی با هدف تکامل و سامان‌یابی آن وضع شده است. این پژوهش در صدد آن است با بررسی آیات قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم‌السلام) در کنار متون ادیان و آیین‌هایی چون یهودیت، مسیحیت و زردشت به بررسی جایگاه خانواده در تعالیم این ادیان بپردازد.

یافته‌های این پژوهش بیانگر این است که با وجود این که در همه‌ی ادیان الهی به موضوع خانواده پرداخته شده است، اما نقش خانواده در اسلام محوری‌تر است و از همین رو در اسلام تمام قوانین و احکام با هدف تقویت خانواده وضع شده است؛ بنابراین محوریت خانواده در اسلام از همه ادیان برجسته‌تر است.

واژگان کلیدی: خانواده، اسلام، احکام، باور، ادیان.

* طلبه سطح ۲ حوزه علمیه خراسان

* شکوفه چگینی، استاد راهنما



طرح بحث

خانواده کوچک ترین و در عین حال تأثیر گذارترین واحد تربیتی در جوامع به شمار می رود، به گونه‌ای که می‌تواند منشأ تحولات عظیم فردی، اجتماعی و رشد ارزش‌های انسانی باشد. خانه فضایی است که در زیر سقف آن ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و اسباب رشد عاطفی، اخلاقی، اجتماعی افراد فراهم می‌گردد.

با توجه به اینکه سعادت و شقاوت آدمی از کانون خانواده، به عنوان نخستین واحد اجتماع بشری نشئت می‌گیرد، همه ادیان آسمانی به این نهاد به عنوان کانونی برای حفظ کرامت انسانی و تأمین سلامت جسمانی، روانی و رشد معنوی او توجه خاصی مبذول داشته‌اند و همواره در جهت تقویت بنیان خانواده می‌کوشند مگر ادیانی که ریشه الهی ندارند و در جهت تضعیف اسلام شکل گرفته‌اند.

اسلام خانواده را گروهی متشکل از افراد دارای شخصیت مدنی، حقوقی و معنوی معرفی می‌کند که هسته اولیه آن را ازدواج مشروع زن و مرد تشکیل می‌دهد و نکاح عقدی است که براساس آن، رابطه زوجیت بین زن و مرد برقرار شده و در پس آن، طرفین دارای وظایف و حقوق جدید می‌شوند.

ارتباط خویشاوندی در سایه نکاح پدید می‌آید و اعضای آن دارای روابط قانونی، اخلاقی و عاطفی می‌گردند همچنین بر اساس آموزه‌های یهود، تشکیل خانواده و ازدواج فریضه‌ی دینی مهمی محسوب می‌شود و از جمله وظایفی است که بر عهده‌ی مرد یهودی گذاشته شده است.

در کیش ایران باستان زناشویی به منظور زندگی خوش و خرم، اتحاد و اتفاق و ازدیاد



نفوس می‌باشد. مسیحیان بر این باورند که تشکیل خانواده و زندگی زناشویی امری مقدس است. زن و مرد با این کار تعهد می‌کنند برای تولید مثل و تربیت فرزندان و رشد آنان در فضایی پر فضیلت با ایمان و محبت به خدا بکوشند.

الف: جایگاه خانواده در ادیان مختلف

۱. خانواده در غرب

پایه‌های خانواده در غرب بر اساس منافع مادی بنا گردیده است و ارزش‌های والای انسانی در خانواده‌های غربی زیر پا نهاده شده است و از کرامت‌های اخلاقی خبری نیست. همچنین ثبات و آرامش که نتیجه روابط خوب است، در خانواده‌ها وجود ندارد.

همچنین در مورد رابطه افراد خانواده در غرب باید گفت که پیوند قلبی پدر و مادر با فرزندان بسیار ضعیف است و زن و مرد، مانند دو شریک تجاری در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند.

رابطه فرزندان با پدر و مادر نیز به گونه‌ای است که در عمل، فرزندان از حیطة قدرت خانواده خارج شده‌اند و زمانی که فرزندان به سن قانونی می‌رسند، از منزل اخراج می‌شوند و ناچارند خانه پدری را ترک کنند و به تنهایی زندگی کنند و چنانچه فرزندان اجازه یابند که در خانه بمانند، باید مخارج روزانه را بپردازند، به همین دلیل است که فرزندان مخصوصاً دختران در اثر تنهایی و دوری از خانواده و نداشتن یک مربی دلسوز و تماس با جوانان منحرف به انواع مفاسد آلوده می‌شوند. (بافکار، ۱۳۸۰: ص ۵۶-۵۷)

۲. ازدواج و تشکیل خانواده در یهود

تورات حاوی رهنمودهای اندکی در مورد آداب و رسوم ازدواج است و موضوعاتی نظیر



همسریابی، نحوه برگزاری مراسم ازدواج و روابط زناشویی در تلمود توضیح داده شده است. از منظر تورات، ازدواج عملی است که با آن، زن و مرد برای یکدیگر تقدیس می شوند تا مقدس ترین اهداف زندگی را به کمک یکدیگر دنبال نمایند.

در تعریف ازدواج در قاموس کتاب مقدس آمده است: ازدواج اتحاد مردی است با زن خود، از برای خوبی و سعادت طرفین و بقاء و افزایش نوع و جز به علت زنا افتراقی در میان این دو پدید نشود (مسترهاکس، ۱۳۷۷: ص ۶۰۵)

در آیین یهود، ازدواج و تشکیل خانواده از احکام مسلم دینی آنان محسوب می شود: زن گرفتن و تشکیل خانواده یکی از احکام دین و اولین فریضه از ۶۱۳ فرامین شریعتی یهودیان بود (ویل دورانت، ۱۳۴۳: ج ۱۲، ص ۲۶)

رضایت طرفین و استقلال رأی در امر ازدواج، از مسائل مورد توجه دین یهود است: هیچ وصلتی بدون رضایت دو طرف کاملاً قانونی محسوب نمی شد. هنگامی که دختر به سن بلوغ می رسید در صورت تمایل می توانست عقد ازدواج را لغو کند (ویل دورانت، ۱۳۴۳: ج ۱۲، ص ۶۳-۶۴)

در یهود سن ازدواج دختر دوازده و نیم سالگی و پسر سیزده سالگی است. در نسل های پیشین، سن کمتر ترجیح داشته است، اما سن معمول برای ازدواج هجده و حداکثر بیست سال بوده است که نباید از این فراتر رود (کهن، ۱۳۸۲: ص ۱۸۳)

در یهود اعتقاد عمومی بر این است که نه تنها عقد ازدواج زن و مرد در آسمان ها بسته می شود، بلکه پیش از تولد طفل مشخص می شود، چه کسی همسر وی خواهد بود: چه روز پیش از بسته شدن نطفه طفل، یک بت قول (منادی آسمانی) اعلام می دارد: این پسر با فلان دختر ازدواج خواهد کرد یا دختر همسر فلان پسر خواهد شد. (کهن، ۱۳۸۲: ص ۱۸۱)



با توجه به اهمیت تشکیل خانواده در یهود، توصیه شده شخص در انتخاب همسر تأمل نموده و از عجله بپرهیزد. علاوه بر این، گفته شده است: ازدواجی که از روی بی احتیاطی صورت بگیرد و مردی که استطاعت ندارد مخارج زوجه خود را تأمین کند و وسایل آسایش او را فراهم آورد، اگر زن بگیرد چنین ازدواجی قبیح شمرده شده است. (کهن، ۱۳۸۲: ص ۱۸۰)

۲. معیار های انتخاب همسر در یهود

- ایمان

تقید و پایبندی به اصول اعتقادی، یکی از مهم ترین معیارهای انتخاب همسر در یهود به شمار می رود. توجه به اینکه عالی ترین آرمان یک یهودی، خداترس بودن فرزندان و متبحر شدن آنها در دانش تورات است، همچنین مخالفت شدید یهودیان سنتی با ازدواج یهودی با غیر یهودی، با این تفکر که یک همسر غیر یهودی، هرچند از هر لحاظ مناسب باشد نمی تواند به یک فرزند یهودی کمک کند تا نقش خود را که زنده نگه داشتن میراث یهودیت است ایفا کند، حاکی از این است که توجه به اصل ایمان از مهم ترین معیارهای همسرگزینی در یهود می باشد. علاوه بر این، مذمت ازدواج با زنی به خاطر ثروت وی، بیانگر این مطلب است. کسی که به خاطر ثروت یک زن با او ازدواج کند، دارای فرزندی ناشایست و ناخلف خواهد شد. (کهن، ۱۳۸۲: ص ۱۸۰)

- کفویت

یکی از اولین و مهم ترین شرایط ازدواج، همسانی زن و مرد در برخی مسائل است. کفویت زن و مرد در ازدواج شامل حوزه های گوناگونی همچون مسائل اعتقادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... می شود که درجه برتری و اولویت هریک از آنها متفاوت بوده و برخی از اهمیت بسزایی نسبت به دیگری برخوردار هستند.



با وجود اینکه کفویت زن و مرد در ایمان از مهم ترین مظاهر کفویت در یهود به شمار می‌رود، هم سانی نژادی نیز در ازدواج ضروری است. در اهمیت هم‌سانی نژادی در کتاب مقدس آمده است: حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) به ناظر خود که رئیس نوکرانش بود گفت: دستت را زیر ران من بگذار و به خداوند خدای آسمان و زمین قسم بخور که نگذاری پسر من با یکی از دختران کنعانی ازدواج کند. به زادگاهم نزد خویشانم برو و در آنجا برای اسحاق همسری انتخاب کن. (باب پیدایش، ۲۴: ۲-۳)

توجه به طبقه اجتماعی همسر نیز از توصیه های دین یهود هنگام ازدواج است: یک درجه پایین بیا و آن وقت زن بگیر (مقام همسرت از مقام خودت پایین تر باشد)؛ زیرا که ازدواج با زنی که مقام اجتماعی بالاتری دارد، سبب خواهد شد که زن و بستگانش با نظر تحقیر به شوهر بنگرند. (کهن، ۱۳۸۲: ص ۱۸۲)

- شرافت و اصالت خانوادگی

یکی از معیارهای اصلی انتخاب همسر در یهود، نیکویی جمال است که شواهد و قرائن آن در اسفار خمسه و صحیفه های کتب انبیاء، موجود در کتاب مقدس یافت می‌شود. در سفر پیدایش حضرت اسحاق (علیه‌السلام) درباره انتخاب رفقه دختر بتوئیل از زیبایی وی به عنوان شاخصه برجسته او یاد می‌کند. آن دختر بسیار نیکو منظر و باکره بود و مردی او را نشناخته بود. (باب پیدایش، ۳۴: ۱۶)

چنان که مشاهده می‌شود، در این سخن علاوه بر اشاره به حسن جمال بر باکره بودن و عدم شناخت رفقه توسط مردان تأکید شده که این حاکی از توجه بزرگان دینی به ارزش های اخلاقی در انتخاب همسر است.

همچنین درباره انتخاب همسر توسط یعقوب (علیه‌السلام) کتاب مقدس نقل می‌کند: لابان را دو دختر بود که نام بزرگتر لیه و اسم کوچکتر راحیل بود چشمان لیه ضعیف بود،



اما راحیل خوب صورت و خوش منظر بود و یعقوب عاشق راحیل بود و گفت: برای دختر کوچک راحیل هفت سال تو را خدمت می‌کنم. (باب پیدایش، ۳۹: ۱۶-۱۷)

۳. اهمیت تشکیل خانواده در یهود

براساس آموزه‌های یهودی، تشکیل خانواده و ازدواج یک فریضه دینی مهم محسوب می‌شود، تا جایی که در اهمیت فریضه ازدواج در یهود گفته شده: انسان مجاز است یک سفر تورات را بفروشد و با پول آن هزینه ازدواج خود را فراهم سازد، همان طوری که انسان مجاز است برای تحصیل تورات (علم و دانش) نیز به فروش تورات مبادرت کند. (کهن، ۱۳۸۲: ص ۱۸۰)

در دین یهود بر تسریع در ازدواج بسیار تأکید شده است؛ زیرا عقیده بر این است که ذات قدوس تا سن بیست سالگی انسان انتظار ازدواج او را می‌کشد تا سن بیست سالگی انسان، ذات قدوس متبارک انتظار می‌کشد که او ازدواج کند. وقتی که سن او از بیست گذشت و ازدواج نکرد، خداوند او را نفرین می‌کند و می‌گوید: استخوان هایش باد کن. (کهن، ۱۳۸۲: ص ۱۸۰)

۴. اهداف ازدواج از دیدگاه یهود

دین یهود ضمن توصیه‌های فراوان پیرامون ازدواج و تشکیل خانواده، اهداف والایی از ایجاد آن منظور داشته است که عبارتند از:

- تشکیل خانواده

یکی از اصلی‌ترین اهداف ازدواج در یهود تشکیل خانواده است که از فرائض دینی یهودیان نیز به شمار می‌رود و چون عالی‌ترین آرمان یک یهودی آن است که فرزندان



خداترس و در دانش تورات متبحر باشند. از این رو، اعتقاد به اصل توارث موجب می‌شود یک جوان یهودی شدیداً تمایل داشته باشد با دختر شخصیتی دانشمند ازدواج کند. (کهن، ۱۳۸۲، ص ۱۸۲)

- تولید مثل

یکی از اهداف ازدواج زن و مرد، تولیدمثل است که در متون مقدس هنجارین شده است. خانواده عقیم و بدون فرزند به کمال نمی‌رسد؛ زیرا زنان و مردان با فرزنددار شدن ارزش‌های اخلاقی خود را بسط می‌دهند. پدر و مادر شدن با انعطاف بیشتر، بردباری اجتماعی، دلسوزی و نجابت و آینده‌نگری اقتصادی همراه است. ضمن آنکه این اوصاف به سلامت جامعه نیز کمک می‌رساند.

تکثیر نسل سالم، جوامع را نیز قدرتمند و پویا می‌کند. از این رو، ادیانی مانند دین یهود، می‌کوشند تا این هدف طبیعی، هدف ارزشی زن و مرد از ازدواج قرار گیرد و پاسخی به فرمان الهی مبنی بر تولید و افزایش نسل باشد: بارور و زیاد شوید، زمین را پر سازید، بر آن تسلط یابید و بر ماهیان دریا، پرندگان آسمان و همه حیوانات فرمانروایی کنید (باب پیدایش، ۱: ۲۸) و یا و اما شما فرزندان زیاد تولید کنید و زمین را پر سازید (باب پیدایش، ۹: ۷)

- پرورش نسل پاک

قوانین الهی برای خوشبختی و سعادت انسان‌ها تدوین شده‌اند تا آن‌ها را به مقامی عالی تر از پلیدی‌ها و زشتی‌های حیوانی برسانند و احساس کنند که زندگی زیباست و ارزش زیستن دارد.

در راه چنین هدفی، محیط خانواده باید با پاکی قرین باشد، تا مرد و زن بتوانند وظیفه



مهم خود؛ یعنی، تولیدمثل و تربیت فرزندان را در راه خداوند و در راه خدمت به هموعان به خوبی به انجام برسانند، چون سعادت کودکان هر خانواده، به پاکی و نیکی افکار و اعمال پدر و مادر بستگی دارد. از این رو، یک از اهداف مهم ازدواج در دین یهود پرورش نسل پاک است. (آترمن، ۱۳۸۵: ص ۲۱۵)

- ارضای نیاز های غریزی

انسان موجودی اجتماعی است و براساس غرایزی که در وجود او نهاده شده، مایل به برقراری ارتباط با دیگر هموعان خود و در مقیاسی کوچکتر خواستار برقراری پیوندی بسیار نزدیکتر با فردی به نام همسر و داشتن روابط زناشویی است. تورات نیز مانند بسیاری دیگر از دستورهای خود، این خواسته را جهت بخشیده و سعی دارد تا با برنامه ریزی اصولی این خواسته را از حالت غریزی و معمولی خارج کرده، به آن تقدس بخشد، تا به این وسیله انسان هم بتواند خواسته ها و غرایز خود را ارضا کند و هم به سبب اجرای فرمان خداوند، سزاوار و در خور پاداش باشد. (آترمن، ۱۳۸۵: ص ۲۲۰)

- تکامل انسان

بر پایه تعلیم یهود، ازدواج به معنای کامل شدن و اوج رشد انسانی است و زن و مرد بدون همسر انسانی هایی کامل نیستند و با ازدواج از شکل ناقص به وجودی کامل تبدیل می شوند. (اشتاین سالتز، ۱۳۸۳، ص ۲۱۳)

۵. ازدواج مسیحی

مسیحیان ازدواج را یک امر دنیوی نمی دانند؛ زیرا ازدواج نشانه محبت خدا به بشریت است. ازدواج عبارت است از یکی شدن محبت دو شخص که با یکدیگر برای زندگی



مشترک، همراه با امانت داری متقابل و همکاری متعهد می‌شوند و برای تولید مثل و تربیت فرزندان و رشد آنان در فضای ایمان و محبت به خدا می‌کشند. از این رو، مسیحیان ازدواج را همچون رمز و نشانه‌ای بشری برای شیوه رفتار خدا با انسان به شمار می‌آورند، همان خدای پاک که انسانها را دوست دارد، به امور آنان اهتمام می‌ورزد و به وعده‌های خود به آنان پایبند است. مسیحیان هنگام ازدواج متعهد می‌شوند که یکی شدن مرد و زن را نشان آشکاری برای محبت خدا به بشر و محبت مسیح به شاگردانش قرار دهند. به همین علت، مسیحیان ازدواج را التزام و تعهد در طول زندگی می‌شمارند و با طلاق و تجدید فراش در زمان حیات همسر مخالفند. (حسین توفیقی، ۱۳۹۴: ص ۲۸۹)

۶. زن و زناشویی در آیین زردشتیان

در ایران باستان زن مقام بسیار ارجمندی داشت و در بسیاری از شؤون زندگی با مرد همکاری می‌نمود، در ایران مانند برخی از کشورهای عقب افتاده دنیا دختر منفور خانواده نبود و پس از به دنیا آمدن بی درنگ زنده به گور نمی‌رفت، درست است که پسر به مناسبت شرکتی که در جنگ و شکار و در کارهای زراعت و کشاورزی می‌توانست داشته باشد و توانایی آن را داشت که پدر خود را در این گونه کارهای سخت یاری همراهی نماید مورد توجه و مهر بیشتر بود و در بسیاری از قطعات اوستا به آیه‌هایی برمی‌خوریم که در آن‌ها نمازگذار از درگاه خداوند و فرشتگان خواستار پسر است که بتواند خود او را و خانواده‌ی او را و شهر و کشور او را از شر دشمنان و بدخواهان حفظ نماید ولی باز هم فقراتی در اوستا یافت می‌شود که دلالت بر یکسان بودن ارزش پسر و دختر و گرامی بودن هر دو به یک اندازه در نزد پدر و مادر دارد. (مهرداد ایزدپناه، ۱۳۸۱: ص ۱۲۶)

ایرانیان باستان در آموزش و پرورش جگرگوشگان خود و تربیت آن‌ها برای زندگی آینده در اجتماع کوشش فراوان به کار می‌بردند. در حالی که پسران از فنون سواری و



تیراندازی و دیگر هنرهای پهلوانی بهره می‌گرفتند. دختران در کارهای خانگی مانند دوخت و دوز و پخت و پز و دیگر کارهای خانه آموزش می‌دیدند و درباره اصول اخلاقی و آموزه‌های مذهبی و دیگر دانش‌ها تربیت آن‌ها یکسان بود و هر دو به یک اندازه بهره‌مند می‌شدند. پروفسور کریستن سن خاورشناس نامی دانمارکی در کتاب خود به نام شاهنشاهی ساسانیان می‌نویسد:

رفتار مردان نسبت به زنان در ایران باستان انسان به یاد رفتار نزاکت آمیز قرن هجدهم می‌اندازد، دوشیزگان ایران باستان نه تنها به وظایف خانوادگی آشنا می‌شدند بلکه اصول اخلاقی و قوانین مذهبی اوستا را نیز فرا می‌گرفتند و چه در اجتماع و چه در زندگی خصوصی از آزادی عمل برخوردار بودند.

این آزادی عمل به اندازه ای بود که اگر دوشیزه‌ای می‌خواست حتی برخلاف میل والدین خود با پسری زناشویی نماید پدر و مادر او نمی‌توانستند از این کار جلوگیری نمایند، درست است که در ایران باستان همانند ایران امروز دختران از منویات و خواسته‌های بزرگتران خود پیروی می‌کردند و بیشتر در این‌گونه موارد یک راه‌سازی پیدا می‌شد ولی گاهی که پدر و مادری نمی‌توانستند یا نمی‌خواستند به علتی به ازدواج دخترشان با پسر دلخواهش رضایت بدهند. موبدان بدون رضایت والدین دختر به تقاضای آن‌ها طبق قانون، ترتیب اثر می‌دادند و نارضایتی پدر و مادر نمی‌توانست مانع انجام زناشویی گردد. (ایزدپناه، ۱۳۸۱: ص ۱۲۷-۱۲۸)

در اوستا به زن پارسایی درود فرستاده شده که در اندیشه و گفتار و کردار راست و پاک بوده، از راه علم و دانش احترامی بدست آورده و نسبت به شوهر صمیمی و فداکار باشد.

در ایران باستان زن شخصیت حقوقی داشت و می‌توانست صاحب مال و ملک از



خود باشد و بنا به نوشته‌های کتاب نیرنگستان زنان می‌توانستند در سرودن یسنا و برگزاری مراسم مذهبی با مردان همکاری کنند یا خود مبادرت نمایند و حتی در دوران سالخوردگی می‌توانستند وظیفه نگهداری آتش مقدس را به عهده بگیرند، زنان دانشمند بنا به نوشته کتاب ماتیکان هزاردستان (هزار ماده قانون) می‌توانستند به شغل و کالت دادگستری بپردازند و حتی گاهی بر مسند قضاوت بنشینند. (ایزدپناه، ۱۳۸۱: ص ۱۲۹)

پس ما دیدیم که در ایران باستان زن دارای همان حقوقی بود که یک مرد داشت و زنان در صورت دارا بودن لیاقت و شایستگی می‌توانستند به کلیه درجات ارتقا یابد و راه هیچ مقام و مسندی به روی آن‌ها بسته نبود حتی چنان‌که تاریخ پر افتخار ما نشان می‌دهد زنان ایرانی می‌توانستند به مقام پر افتخار شاهنشاهی و فرمانروایی کشور بزرگ ایران برسند (ایزدپناه، ۱۳۸۱: ص ۱۳۰)

ب: جایگاه و اهمیت خانواده در اسلام

نگرش اسلام به خانواده، برخلاف نگاه تک بعدی برخی از مکاتب و دیدگاه‌های غیراسلامی، بسیار عمیق و همه جانبه است. نحله‌های غیر دینی، خانواده را از زاویه خاصی مورد توجه قرار می‌دهند، غافل از اینکه باید به جوانب گوناگون خانواده، به عنوان یکی از بنیادی‌ترین نهادهای اجتماعی که در تمامی عرصه‌های زندگی بشر حضور دارد، توجه شود.

از نظر اسلام، ازدواج عامل تکامل انسان است و در سایه چنین امری، هریک از زن و مرد به استقلال رسیده و به جایگاه واقعی خود دست می‌یابند و زمینه برای پیدایش ارزش‌هایی چون دستیابی به وحدت، ارزش یافتن زندگی، ارزش یافتن عبادات و... که تاکنون مطرح نبوده است، فراهم می‌شود.



۱. خانواده از نگاه قرآن کریم

- آیه‌ای از آیات خدا

خانواده (زن و شوهر) در قرآن به عنوان نشانه‌ای از نشانه‌های خداوند و مایه آرامش روحی شمرده شده است:

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم / ۲۱)

از نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان‌ها آرام بگیرید، و میانتان دوستی و رحمت نهاد. آری، در این [نعمت] برای مردمی که می‌اندیشند قطعاً نشانه‌هایی است.

- پیوند محکم

براساس دیدگاه اسلامی، آفرینش زن و مرد از یک خمیرمایه است و در بین آنها همبستگی و پیوندی وجود دارد که در سایه ازدواج این همبستگی به صورت میثاقی غلیظ (پیمان محکم) در می‌آید:

«وَ كَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا» (نساء / ۲۱) و چگونه آن [مهر] را می‌ستانید با آنکه از یکدیگر کام گرفته‌اید، و آنان از شما پیمانی استوار گرفته‌اند؟

- نجات از فقر و برخورداری از فضل خداوند

برخی افراد از ترس فقر، تن به ازدواج نمی‌دهند و گمان می‌کنند فقر و ناداری موجب



ناکامی آنها در زندگی می‌شود. درحالی که خداوند در قرآن می‌فرماید:

ازدواج کنید و اگر فقیر باشید، خداوند شما را از فضل خود بی‌نیاز می‌سازد:

«وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنَّ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْزِمُهُمُ

اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (نور/ ۳۲)

بی‌همسران خود، و غلامان و کنیزان درست کارتان را همسر دهید. اگر تنگ دستند، خداوند آنان را از فضل خویش بی‌نیاز خواهد کرد، و خدا گشایشگر داناست.

۴. لباس یکدیگر:

در سوره بقره از زن و مرد به عنوان لباس یکدیگر یاد شده است:

«أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَىٰ نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ...» (بقره/

۱۸۷)

در شب‌های روزه، همخوابگی با زنانتان بر شما حلال گردیده است. آنان برای شما لباسی هستند و شما برای آنان لباسی هستید.

علامه طباطبائی، این آیه را استعاره‌ای لطیف دانسته، می‌فرماید:

ظاهر کلمه لباس همان معنای معروفش می‌باشد، یعنی جامه‌ای که بدن آدمی را می‌پوشاند و این دو جمله از قبیل استعاره است، برای اینکه هریک از زن و شوهر طرف دیگر خود را از رفتن به دنبال فسق و فجور و اشاعه دادن آن در بین افراد جلوگیری می‌کند، پس در حقیقت مرد لباس و ساتر زن است، و زن ساتر مرد است (طباطبائی،

۴۱۷ (ق:، ج ۲، ص ۶۵)

۵. عامل تکثیر نسل:



یکی از مهم‌ترین کارکردهای خانواده، ایجاد و گسترش نسل است. قرآن کریم در این باره فرموده است:

«فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» (شوری / ۱۱)

پدیدآورنده آسمان‌ها و زمین است. از خودتان برای شما جفت‌هایی قرار داد، و از دام‌ها [نیز] نر و ماده [قرار داد]. بدین وسیله شما را بسیار می‌گرداند. چیزی مانند او نیست و اوست شنوای بینا.

۶. دژی در مقابل زندگی سراسر فسق و فجور

«فَانكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَآتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ» (نساء / ۲۵)

پس آنان را با اجازه خانواده‌شان به همسری [خود] درآورید و مهرشان را به طور پسندیده به آنان بدهید [به شرط آنکه] پاکدامن باشند نه زناکار، و دوست‌گیران پنهانی نباشند.

۷. سنت پیامبران الهی

خداوند متعال تشکیل خانواده را از سنت پیامبران آسمانی دانسته و فرموده است:

«وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَذُرِّيَّةً» (رعد / ۳۸)

و به راستی پیش از تو پیامبرانی فرستادیم و برای آن‌ها همسران و فرزندان قرار

دادیم.



۲. خانواده از نگاه روایات

– محبوب‌ترین بنا نزد خداوند

پیامبر اکرم صل الله علیه و آله فرموده است:

هیچ بنایی در اسلام نزد خداوند دوست داشتنی تر و عزیزتر از ازدواج نیست. (نوری،

۱۴۰۸ق: ج ۲، ص ۵۳۱)

– بالاترین نعمت پس از اسلام

هیچ فایده ای پس از نعمت اسلام برتر و مفیدتر از این مرد مسلمان نیست که او همسری داشته باشد که هر وقت به او نگاه کند مسرور و شاداب گردد و هنگامی که به او دستور بدهد اطاعت نماید، و هر وقتی که از نزدش برود حافظ جان خود و مال همسرش باشد. (حر عاملی، ۱۳۶۷: ج ۳، ص ۳۸۹)

– کامل کننده دین

رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرموده‌اند:

هر کس ازدواج کند نیمی از دینش را باز یافته است نسبت به نیم دیگر تقوای الهی

را رعایت کند. (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۱۰۳، ص ۲۱۹)

۴. گشاینده درهای رحمت الهی

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: درهای رحمت الهی در چهار مورد گشوده می شود، هنگام آمدن باران، آن گاه که فرزند به صورت پدر و مادر خود نگاه کند،

بازگشایی درب خانه خدا و هنگام ازدواج (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۱۰۰، ص ۲۲۱)



۵. عامل ارزش یافتن عبادات

نظام خانواده از چنان جایگاهی در اسلام برخوردار است که حتی بر ارزش عبادت و بندگی تأثیر می‌گذارد. در این زمینه وارد شده است: دو رکعت نماز کسی که تشکیل خانواده داده برتر از عبادت فرد مجردی است که شب و روز نماز بخواند. چنانکه امام صادق علیه السلام فرموده است:

«الرَّكْعَتَانِ يَصْلِيَهُمَا رَجُلٌ مُتَزَوِّجٌ أَفْضَلُ مِنْ رَجُلٍ اعْرَبَ يَقُومُ لَيْلَهُ وَ يَصُومُ نَهَارَهُ»

(کلینی، ۱۳۶۷: ج ۵، ص ۳۲۹)

نتیجه بحث

۱. در زندگی (مدرنی غرب) اهداف اصلی تشکیل خانواده کمرنگ شده و آرامش که در محیط خانواده برای فرد بوجود می‌آید از بین رفته است.
۲. در آیین یهود و مسیح به خانواده توجه زیادی شده و سعی بر این است که خانواده در جهت زنده نگه‌داشتن میراث ادیان آن‌ها حرکت کند.
۳. در ایران باستان زن مقام ارجمندی داشت و در اوستا سفارش بر صمیمیت و فداکاری نسبت به شوهر شده که اگر این مطلب متقابل باشد پایه‌های خانواده را محکم می‌کند.
۴. در نهایت اسلام بهترین و کاملترین دینی است که در جای جای آن به ارزش تشکیل خانواده و تقویت آن پرداخته است.



فهرست منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی
۲. بافکار، حسین، ۱۳۸۰ش، کانون مهر (ویژه خانواده)، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما
۳. کتاب مقدس، ۱۹۹۵م، ترجمه تفسیری، شامل عهد عتیق و عهد جدید، انجمن بین المللی کتاب مقدس
۴. مستر هاکس، ۱۳۷۷ش، قاموس کتاب مقدس، تهران، اساطیر
۵. ویل دورانت، ویلیام جیمز، ۱۳۴۳ش، تاریخ تمدن، ترجمه ابوالقاسم طاهری و احمد آرام، تهران.
۶. کهن، ابراهام، ۱۳۸۲ش، گنجینه ای از تلمود، ترجمه فریدون گرگانی، تهران، اساطیر
۷. آترمن، الن، ۱۳۸۵ش، باورها و آیین های یهودی، ترجمه رضا فرزین، تهران، مرکز مطالعات ادیان و مذاهب
۸. اشتاین سالتس، آدین، ۱۳۸۳ش، سیری در تلمود، ترجمه باقر طالبی دارابی، تهران، مرکز تحقیقات ادیان و مذاهب
۹. توفیقی، حسین، ۱۳۹۴ش، آشنایی با ادیان بزرگ، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم دانشگاهها، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی



۱۰. ایزدپناه، مهرداد، ۱۳۸۱ش، آشنایی با دین زردشت، تهران، انتشارات محور

۱۱. شاکرین، حمیدرضا، ۱۳۹۱ش، ادیان و مذاهب، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در

مازندرانی، تهران، مرتضوی

۱۳. نوری، میرزا حسن، ۱۳۸۲ش، مستدرک الوسائل، تهران، المکتبته الاسلامیه

۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۳۶۷ش، اصول کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه

۱۵. حرعاملی، محمد بن علی بن حسین بابویه قمی، ۱۴۰۵ق، ثواب الاعمال و عقاب

الامال، قم

۱۶. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۴ق، بحار الانوار، بیروت، موسسه فی الوفاء ۳۸۸.

